

آموزش و پرورش در سنگر ایرانیت و اسلامیت

علی اصغر فانی

آقای پناهیان اخیرا در مراسم دفاع از آرمان فلسطین و حمایت از مردم مظلوم غزه به عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش انتقاد کرده و پیشنهاد داده که آموزش و پرورش را منحل کنند. در این یادداشت می‌خواهم به بخشی از خدمات آموزش و پرورش متمرکز شده و متذکر شوم که اگر آموزش و پرورش و ایثارگری‌های معلمین و دانش‌آموزان نبود چه میشد؟ یکی از کارکردهای (Function) آموزش و پرورش در دنیا، «انتقال فرهنگ» از گذشتگان به آیندگان است. فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، ارزشها، بایدها و نبایدها و... است. فرهنگ ما در آموزش و پرورش دو منشا دارد: «ایرانیت و اسلامیت». کودک و نوجوان ایرانی، هم ایرانی است و هم مسلمان. در فرمایشات ایشان در مورد جوان صهیونیست و اظهارنظرات وی آمده است: «همه دنیا متعلق به ماست. اینها که در خانه‌ها هستند، حضور عاریتی دارند، ما قوم برگزیده هستیم و...» این ادعاها حاصل آموزه‌های ملی‌گرایانه دستگاه تعلیم و تربیت صهیونیسم است و این در حالی است که ما در دوران دفاع مقدس با تکیه بر ایرانیت‌مان و حفظ مرزهای جغرافیایی کشورمان و اتکال به فرهنگ عاشورا و قیام سیدالشهدا که ریشه در اسلامیت مکتب دارد توانستیم با اعزام داوطلبانه دانش‌آموزان عزیز و معلمین گرامی و تقدیم قریب به 31 هزار شهید دانش‌آموز و معلم برگ زرینی به تاریخ معاصر ایران بیفزاییم. کمک به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، جمع‌آوری اعانات از مردم و دانش‌آموزان، حضور در دفاع مقدس، تاسیس مجتمع آموزشی جبهه و پشت جبهه و تقویت لجستیک سپاه اسلام و... در مقابل دشمن تا دندان مسلح همه و همه ناشی از احساس مسوولیت دستگاه تعلیم و تربیت کشور در قبال آرمان‌های امام خمینی(ره) بوده است. تصمیم‌گیری برای دایر بودن کلاس درس در مواقع موشکباران شهرها و یا تعطیلی کلاسها، آموزش در پناهگاه‌ها، آموزش تلویزیونی و... حاصل تلاش‌های وزارت آموزش و پرورش در دوران دفاع مقدس است. آموزش و پرورش در اوایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی و توطئه دشمنان در گنبد،

خوزستان، کردستان و... نیز خوشدرخشید.

اعزام داوطلبانه معلمین متعهد از سراسر کشور به کردستان و ارتقای سطح آموزش و تربیتی از سومین استان از آخر به سومین استان از اول و دفاع از ارزش‌های ایرانی- اسلامی از دیگر اقدامات آموزش و پرورش بوده است. در همین اواخر در اسفند 98 تا سال 1401 که دچار ویروس کرونا شدیم شاهد بودیم که معلمین با تلاش مضاعف و بهره‌مندی از کمترین امکانات از تعطیلی آموزش جلوگیری کردند. مستندسازی این اقدامات خداپسندانه می‌تواند خیرات زیادی را به همراه داشته باشد. این خدمات و صدها دستاورد دیگر آموزش و پرورش در حالی صورت گرفته که این ابروزارتخانه که همواره مورد تهاجم و انتقاد افراد یا نهادهایی که کمترین اطلاعی از عمق وجودی آن دارند، قرار می‌گیرد. زیلا به فرازهایی از کم‌لطفی‌ها که به این دستگاه شده است، می‌پردازیم:

1- کسری 25 تا 30 درصد بودجه سالانه آموزش و پرورش. و این در حالی است که به نهادها یا افراد خارج از آموزش و پرورش بودجه‌هایی تخصیص می‌دهند. هرچند که تعلیم و تربیت کار تخصصی و فنی بوده اما با تخصیص بودجه به عنوان بودجه فرهنگی به افراد یا نهادهای غیرمتخصص، بودجه را ناکارآمد می‌کنند.

2- اگر «تربیت» را «ایجاد رفتار نسبتاً پایدار» تعریف کنیم باید یقین و فهم کنیم که با شعار دادن آرمان فلسطین محقق نمی‌شود. تا زمانی که نوجوانان ما به این باور نرسند که مدافع آرمان فلسطین باشند، با شعار صرف مشکل مردم فلسطین حل نخواهد شد.

3- متأسفانه هر کس یا نهاد به خود اجازه می‌دهد که بر سر آموزش و پرورش بکوبد و در مورد آموزش و پرورش اظهار نظر کند.

4- سهم آموزش و پرورش از «جی‌دی‌پی» 4/2 درصد است در حالی که میانگین جهانی قریب به 4 درصد است. سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور 2/11 درصد است در حالی که حداقل باید 18 درصد باشد. توفیقات آموزش و پرورش بعد از انقلاب قابل دفاع است و لازم است به این سوال جواب داد که اگر آموزش و پرورش نبود چه می‌شد؟ تا قدر آن بهتر نمایان می‌شد.